

# فرایندهای واجی همگونی و حذف در لری بختیاری

## مسجدسلیمان در چارچوب واج‌شناسی زایشی

فروزنده زردشتی<sup>۱</sup>

مریم ایرجی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از نگارش این مقاله، شناسایی برخی از مهم‌ترین فرایندهای واجی موجود در همخوان‌های گویش لری بختیاری مسجدسلیمان بر اساس واج‌شناسی زایشی، خطی و غیرخطی است. برای این کار داده‌ها از بیست گویشور بومی در رده‌های سنی و مقاطع تحصیلی متفاوت، از بی‌سواد تا تحصیلکرده، از طریق مصاحبه جمع‌آوری و بر مبنای الفبای آوانویسی بین‌المللی «IPA» آوانگاری و سپس برخی از فرایندهای واجی، همچون همگونی و حذف بررسی می‌شوند. به طور کلی از سنجش داده‌های گویش لری بختیاری مسجدسلیمان، استخراج مشخصه‌های تمایزدهنده، قواعد و فرایندهای واجی حاکم بر آنها و نیز بازنمایی‌های واجی و آوایی نشان دهنده این مسئله‌اند که دو فرایند واجی همگونی همخوانی (کامل و ناقص) و حذف در این زمینه فعال‌اند. فرایند همگونی پربسامدتر از فرایند حذف است. این فرایند و قواعد واجی خطی و غیرخطی مؤید یافته‌های واج‌شناسی زایشی در این رابطه است. توجیه و توصیف برخی فرایندهای واجی به روش خطی با ابهام همراه است لذا روش غیرخطی در این زمینه کارآمدتر است.

**واژه‌های کلیدی:** گویش لری بختیاری مسجدسلیمان، واج‌شناسی زایشی، فرایندهای واجی، همگونی، حذف

### ۱- مقدمه

بر اساس تحقیق کلباسی (۱۳۸۹: ۳۵)، در نمودار زبان‌های ایرانی، گویش لری بختیاری مسجدسلیمان جزو گویش‌های شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی نو محسوب می‌شود و خواهر زبان فارسی است و با آن ریشه مشترک دارد. به همین دلیل داده‌ها با زبان فارسی مقایسه شده است. بر اساس تقسیم‌بندی عباسی شهنی (۱۳۸۳: ۱۵-۲۰)، مسجدسلیمان شمال شرقی استان خوزستان واقع شده است، این شهرستان از شمال به دزفول از شرق به استان چهارمحال و بختیاری و شهرستان ایزه از غرب به شهرستان‌های شوشتر و اهواز و از جنوب به شهرستان رامهرمز محدود می‌شود. مردم مسجدسلیمان به فارسی و گویش لری بختیاری سخن می‌گویند. از نظر قومیت از دو شاخه هفت لنگ و چهار لنگ

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

foroozar@gmail.com

mirajil80@gmail.com

<sup>۲</sup> - استادیار، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

تشکیل شده است. با توجه به اینکه گویش لری بختیاری مسجسدسلیمان و فارسی، از نظر آوایی و واژگانی تفاوت‌های جزئی با یکدیگر دارند، در این مقاله چند فرایند واجی - همخوانی از جمله همگونی و حذف در چارچوب واج‌شناسی زایشی، واج‌شناسی خطی و غیرخطی، بررسی شده است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است که بر اساس واج‌شناسی زایشی و واج‌شناسی خود واحد صورت گرفته است. برای این منظور سؤالاتی بر اساس تحقیق کلباسی (۱۳۷۶) و عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۸) تهیه شده است. جمع‌آوری اطلاعات به روش میدانی از طریق ضبط مصاحبه ۲۰ گویشور بختیاری صورت گرفته است. حجم داده‌ها ۳۰۰۰ واژه است که پس از جمع‌آوری از گویشور بومی در همه رده‌های سنی و مقاطع تحصیلی، از بی‌سواد تا تحصیلکرده با استفاده از الفبای «IPA» آوانویسی و تحلیل شده است تا فرایندهای واجی - همگونی همخوانی و حذف گویش لری بختیاری مسجسدسلیمان مشخص و بسامد وقوع آنها بررسی شود. آنچه در این پژوهش مطرح بوده است پاسخ به سؤالات زیر است. ۱. فرایندهای واجی - همگونی همخوانی و حذف بر اساس واج‌شناسی خطی و غیرخطی در گویش لری بختیاری مسجسدسلیمان چگونه است؟ ۲. در این پژوهش، کدام فرایند واجی - همخوانی پر بسامدتر است؟ ۳. تعداد همخوان و واژه در گویش لری بختیاری مسجسدسلیمان چگونه است؟

## ۲- پیشینه پژوهش

شین<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) در کتاب *واج‌شناسی زایشی*<sup>۲</sup> به چارچوب نظریه زایشی از منظر مورس هله و نوام چامسکی در مورد الگوی صدایی زبان انگلیسی، به طور کلی به ویژگی‌های سیستم‌های واجی یا واج‌شناسی همه زبان‌ها پرداخته است. بخش اول شامل الگوهای واجی، مشخصه‌های تمایز دهنده، حشو و در بخش دوم شامل واج‌شناسی پویا، فرایندهای واجی از قبیل همگونی، فرایندهای ساختار هجا، کوتاه‌سازی و تضعیف، خنثی‌سازی، قواعد واجی حذف، درج، بازنمایی‌های زیربنایی، قواعد دستوری، بازنمایی‌های مشتق شده، تأثیرات غیر واجی، واج‌شناسی خنثی است.

مکارتی<sup>۳</sup> (۱۹۸۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «واج‌شناسی غیرخطی: مرور اجمالی» چنین بیان می‌کند که ماهیت پژوهش در واج‌شناسی تغییر کرده و منجر به چندین چارچوب نظری جدید شده است. از جمله آنها واج‌شناسی غیرخطی است. در این مقاله مفهوم تئوری از دیدگاه هله و چامسکی مخصوصاً مشخصه‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند و فهم آنها به توسعه واج‌شناسی غیرخطی کمک می‌کند، پرداخته است و سپس دو تئوری مهم غیرخطی، خود واحد و آهنگین که در برگزیده ساختار هجا است، توضیح داده شده است.

کنستویچ<sup>۴</sup> (۱۹۹۴). در کتاب *واج‌شناسی در دستور زایشی اصوات گفتار*<sup>۵</sup>، به طبقات طبیعی، مشخصه‌های تمایز دهنده، واژه‌ها، همخوان‌ها، جایگاه و شیوه تولید آنها، مسائل آواشناسی

1- Schane, S.A.

2- *Generative Phonology*

3- McCarthy, J.

4- Kenstowicz, M.

5- *Phonology in Generative Grammar*

قواعد واجی، اعم از خطی و غیرخطی، فرایندهای واجی همخوانی و واکه‌ای، مشخصه‌های نشاندار و بی‌نشان آنها، واج و در نهایت آواشناسی آکوستیکی پرداخته است.

اکمجان<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۱) در کتاب *زبان‌شناسی درآمدی بر زبان و ارتباط*<sup>۲</sup> به موضوع واج‌شناسی و اینکه واحدهای صوتی و بنیادی یک زبان، همخوان‌ها و واکه‌ها هستند و خود از واحدهای بنیادی‌تری تشکیل شده‌اند، پرداخته است و ساخت درونی اصوات گفتار: نظریه مختصه‌های تمایز دهنده را بررسی کرده است، این قسمت بیانگر این است که آواها و واج‌ها کوچکترین واحد نظام‌های واجی نیستند بلکه خود اصوات گفتار از مختصه‌های تولیدی کوچکتری ساخته شده‌اند. این مجموعه از مختصه‌ها باید تمامی تقابل‌های واجی در یک زبان را توصیف نماید و باید همه قواعد واجی را به شیوه‌ای واضح بیان کند. در ادامه نظام مبتنی بر الگوی صوتی زبان انگلیسی SPE مبتنی بر طرح موریس هله<sup>۳</sup> و نوام جامسکی<sup>۴</sup> شرح داده شده، و اینکه واج‌ها در این نظام به منزله مجموعه یا گروهی از مختصه‌های ممیز هستند. نقش مختصه‌های ممیز در بیان قواعد واجی چگونه است. نظام بیرونی اصوات گفتار، محدودیت‌های واج‌آرایی و اینکه اولین سطح نظام حاکم بر واج‌ها متشکل از شرایطی است که به واسطه هجا تعریف می‌شود. لازم به ذکر است که در این کتاب به فرایندهای واجی اشاره چندانی نشده است.

چنسن<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) در کتاب *اصول واج‌شناسی زایشی* که شامل هفت فصل است به مواردی از قبیل آواشناسی تولیدی، همخوان‌ها و واکه‌ها و علائم IPA، توزیع و تقابل: مشخصه‌های تمایز دهنده، به طور مفصل به قواعد واجی و فرایندهای واجی پرداخته است. در فصل دوم، به فرایندهای واجی همگونی، ناهمگونی، حذف، درج و کشش، کوتاه‌سازی، هماهنگی واکه‌ای و به طور کلی به توزیع صداهای زبان می‌پردازد. تحلیل‌های واجی توصیف آن جنبه از تلفظ را که غیر قابل پیش‌بینی است را در بر می‌گیرد و در توجیه آنها از قواعد خطی استفاده می‌کند. در ادامه به نظام واجی مبتنی بر الگوی صوتی زبان انگلیسی SPE بر اساس نظریه موریس هله و نوام جامسکی پرداخته است. همچنین قواعد واجی غیر خطی و خود واحد در زبان‌های آهنگین و ساختارهای هجایی نیز بررسی شده است.

لده فولگد<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) در کتاب دوره درسی *آواشناسی*<sup>۷</sup> به واج‌شناسی و آوانویسی پرداخته است. فصل‌های دیگر این کتاب بیشتر به مسائل آواشناسی از جمله تولید آوا و علم اصوات،

1- Akmajian, A.

2- *Linguistics: An Introduction to Language and Communication*

3- Halle, M.

4- Chomsky, N.

5- Jensen, J.T.

6- Lade foged, P.

7- *A Course In phonetics*

آواشناسی عمومی، مکانیسم جریان هوا و انواع آواسازی و غیره پرداخته است. لازم به ذکر است که به قواعد و فرایندهای واجی اشاره چندانی نشده است.

صادقی (۱۳۷۹) در پایان نامه خود به تجزیه و تحلیل فرآیندهای واجی در گویش فارسی تهرانی بر اساس واج‌شناسی خود واحد پرداخته است. واج‌شناسی خود واحد یکی از انگاره‌های واج‌شناسی غیر خطی در چارچوب واج‌شناسی زایشی است. با توجه به بازنمایی غیرخطی مشخصه‌های واجی، فرایندهای واج‌شناختی در واج‌شناسی خود واحد از رهگذر عمل‌های غیرخطی نظیر گسترش و قطع، تحلیل می‌شوند.

کامبوزیا (۱۳۸۸) در کتاب *واج‌شناسی قاعده بنیاد*، نظریه زایشی، نظام مشخصه‌ای SPE و قاعده‌ها و بازنمایی واجی، مقایسه واج‌شناسی خود واحد و انگاره معیار (انگاره خطی) را بررسی کرده و به تحلیل‌هایی در این زمینه به طور مفصل پرداخته است. همچنین فرایند همگونی، کشش جبرانی، کوتاه شدگی، حذف، درج و تشدید در زبان فارسی و برخی گویش‌ها را تحلیل کرده است.

کامبوزیا و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود به شناسایی برخی از «فرایندهای واجی موجود در همخوان‌های گویش لری بالاگریوه و مقایسه آن با فارسی معیار» پرداخته است. روش پژوهش این مقاله توصیفی-تحلیلی است. چارچوب نظری پژوهش بر اساس واج‌شناسی زایشی و واج‌شناسی خود واحد است و به این نتیجه رسیده‌اند که در لری بالاگریوه همخوان‌های /d/، /t/ در توالی‌های /st/ و /zd/ در واژه‌های بسیط حذف می‌شوند. این فرایند در همین بافت در بعضی از واژه‌های فارسی معیار نیز دیده می‌شود؛ در گویش بالاگریوه وجود همخوان‌های روان /r/ و /l/ در خوشه‌های همخوانی در واژه باعث بروز فرایند قلب می‌شود. در این گویش فرایند حذف از سایر فرایندها فعال‌تر است.

کامبوزیا، ثباتی و آفاگل زاده (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با نام «فرایندهای واجی تضعیف در گونه‌های کردی ایلامی» به شناسایی فرایندهای واجی «تضعیف» موجود در گونه‌های کردی ایلامی بر اساس «چارچوب واج‌شناسی زایشی» پرداختند. بدین منظور ۲۰ گویشور را انتخاب و از طریق پرسشنامه تدوین شده با آنها مصاحبه انجام دادند و در نهایت ۶۰۰ داده را بررسی کردند. از دستاوردهای مهم این پژوهش این است که معمولا دامنه عملکرد فرایند «تضعیف» در پایان هجا است. عدم حضور فرایند تشدید در گونه‌های کردی ایلامی نشان می‌دهد که در این گونه‌ها تمایل به حذف خوشه‌های همخوانی وجود دارد.

کاظمی و زردشتی (۱۳۹۶)، در مقاله «فرایندهای همگونی و حذف در گویش شوشتری در چارچوب واج‌شناسی زایشی» به شناسایی و معرفی برخی از مهم‌ترین فرایندهای واجی موجود در گویش شوشتری براساس واج‌شناسی زایشی، خطی و غیرخطی پرداختند. برای این کار داده‌هایی از بیست گویشور بومی در رده‌های سنی و مقاطع تحصیلی، از بی‌سواد تا تحصیلکرده، از طریق مصاحبه جمع‌آوری و پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. در

این مقاله با بررسی داده‌ها، فرایندهای واجی همگونی و حذف بررسی شدند. به طور کلی سنجش داده‌های گویش شوشتری، استخراج مشخصه‌های تمایزدهنده و قواعد و فرایندهای واجی حاکم بر آنها و نیز بازنمایی‌های واجی و آوایی نشان داد که دو فرایند واجی - همخوانی همگونی (کامل و ناقص) و حذف در این گویش فعال است اما فرایند همگونی پربسامدتر از فرایند حذف است. این فرایند و قواعد واجی خطی و غیرخطی مؤید یافته‌های واج‌شناسی زایشی در این گویش است. همچنین از آنجایی که توجه و توصیف برخی فرایندهای واجی به روش خطی ابهام دارد، لذا روش غیرخطی در این زمینه کارآمدتر است.

### ۳- معرفی همخوان‌ها و واژه‌های گویش لری بختیاری مسجدسلیمان

گویش لری بختیاری مسجدسلیمان ۲۳ همخوان و سه واجگونه همخوان دارد. این همخوان‌ها عبارتند از:

/G/، /y/، /n/، /m/، /l/، /r/، /ʃ/، /č/، /h/، /x/، /ž/، /š/، /z/، /s/، /v/، /f/، /ʔ/، /g/، /k/، /d/، /t/، /b/، /p/

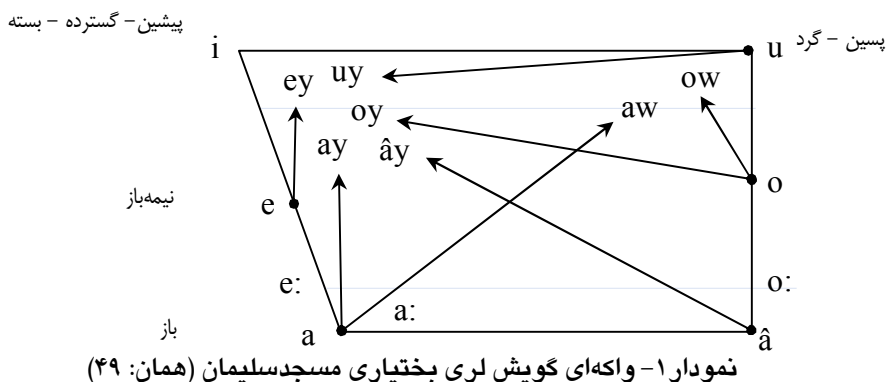
بنابراین گویش لری بختیاری مسجدسلیمان همانند فارسی معیار ۲۳ واج همخوان دارد. همخوان‌های کامی /c/ و /l/ فارسی در این گویش نیز به صورت کامی در مواردی بسته به بافت آن که پسین باشد به صورت نرمکامی /k/ و /g/ تولید می‌شوند. [ð] واجگونه همخوان از [d]، [z] در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان، در تقابل با فارسی معیار است. همخوان [Z]، واجگونه‌ای از [ʃ] و [s] در این گویش است، مانند واژه gi] و ʔeshâl که به ترتیب giz و ʔezhâl تلفظ می‌شوند. در زیر، جدول مربوط به واج‌های همخوان گویش لری بختیاری مسجدسلیمان نشان داده شده است.

جایگاه تولید شيوه تولید	دوبلی	لب و دندانی	دندانی	لثوی	لثوی کامی	کامی	ملازی	چاکنایی
انسدادی	p b		t d			k g	G	ʔ
سایشی		f v		s z	š ž		x	h
انسدادی-سایشی					č ĵ			
غلطان (لرزشی)				r				
کناری ناسوده				l				
خیشومی	m			n				
روان						y		

جدول ۱- واج‌های همخوان لری بختیاری مسجدسلیمان (زردشتی، ۱۳۹۳: ۴۳)

این گویش دارای شش واژه اصلی /i/، /e/، /a/، /u/، /o/، /â/، سه واجگونه واژه‌ای /e:/، /a:/ و /o:/ و هفت واژه مرکب /ay/، /ey/، /oy/، /uw/، /aw/، /ây/ است. واجگونه /e:/ در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان گاهی با حذف همخوان [y] در مجاورت [e] به وجود می‌آید، مانند

واژه mix که در بختیاری me:x می‌شود. واجگونه /a:/ در این گویش در چندین مورد دیده می‌شود: (الف) با حذف همخوان [h] در مجاورت [a] به وجود می‌آید. البته گاهی کشش [a:] حذف می‌شود مانند واژه pahm که در بختیاری pa: n می‌شود، ب) گاهی با حذف همخوان [t] از خوشه همخوانی [st] در مجاورت [a] در این گویش به وجود می‌آید، مانند: واژه bastani که در گویش بختیاری ba:seni می‌شود، ج) گاهی با حذف همخوان مشدد در مجاورت [a] به وجود می‌آید، مانند: واژه bačče که در این گویش ba:če می‌شود، د) گاهی با حذف همخوان [ʔ] در مجاورت [a] ظاهر می‌شود، مانند: واژه baʔd که در این گویش ba:d تلفظ می‌شود و واژگونه /o:/ که در این گویش معمولاً با حذف همخوان‌های [h] یا [w] (در واکه مرکب [ow]) از مجاورت آن به وجود می‌آید، مانند: واژه zohr که در این گویش zo:r و واژه tab که tow/to می‌شود. بنابر این نمودار واکه‌ای گویش لری بختیاری مسجسدسلیمان به قرار زیر است:



#### ۴- فرایندهای واجی

##### ۴-۱- همگونی

همگونی یکی از معمول‌ترین و رایج‌ترین انواع فرایندهای واجی است. وقتی به علت تاثیر اصوات مجاور، صوتی به صورت دیگر تغییر می‌یابد، گفته می‌شود که فرایند همگون‌سازی در کار است این اصوات یا واج‌ها می‌توانند واکه یا همخوان باشند که در یک هجا یا واژه بر هم تأثیر می‌گذارند (لدی فوگد، ۲۰۰۶: ۱۰۹). در تعریف دیگر از همگونی، حق‌شناس (۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۵۴) همگونی همخوان‌ها را بدین ترتیب تعریف می‌کند که گاهی یک همخوان در همنشینی با همخوان دیگر، پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می‌پذیرد. این فرایند می‌تواند یکی از جهانی‌های آوایی باشد. چنانچه این فرایند موجب شود که یکی از همخوان‌ها عیناً به صورت همخوان دیگر درآید آن را «همگونی کامل» گویند. اگر همگونی موجب همانندی کامل دو همخوان نگردد، آن را «همگونی ناقص» می‌گویند. همگونی از جهت خطی به دو نوع تقسیم می‌گردد: همگونی پیشرو و همگونی پسرو. تعریف کامبوزیا (۱۳۸۸: ۱۶۷-۱۷۱) در مورد همگونی عبارتست از اینکه یک واحد

واجی به واحد واجی دیگر در یک یا چند مشخصه شبیه می‌شوند. آراتو (۱۳۸۴: ۹۴) دو نوع همگونی پسر و پیشرو را بر مبنای جهت خطی تغییر آوایی از هم متمایز می‌کند. همگونی پسر، روندی است که طی آن یک همخوان با همخوانی که پس از آن می‌آید مشابه می‌شود، و همگونی پیشرو، هنگامی پدید می‌آید که واج نخست ثابت می‌ماند و به طریقی واج دوم را شبیه خود می‌کند.

۴-۱-۱- تبدیل [n] به [m] قبل از [b]:

در مجموعه داده‌های زیر فرایند همگونی در مشخصه محل تولید به صورت ناقص و پسر است. این فرایند در زبان فارسی معیار و بسیاری از گویش‌های دیگر ایرانی فعال است فرایندی است که طی آن همخوان تیغه‌ای [n] قبل از یک همخوان لبی به [m] تبدیل می‌شود. داده‌های زیر این فرایند را نشان می‌دهد:

واج نویسی فارسی معیار	بختیاری
انبار	ʔambâr
پنبه	pambe
تنبل	tambal
جنبان	ʒombun
شنبه	šambe
گنبد	gombað

جدول ۲- همگونی همخوان تیغه‌ای با لبی

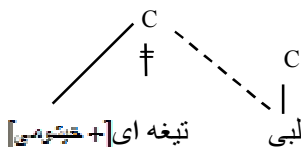
اگر همخوان خوشمی تیغه‌ای [n] قبل از انسدادی لبی قرار گیرد، در مشخصه [+ لبی] با انسدادی همگون و به خیشومی لبی [m] تبدیل می‌شود:

قاعده ۱- فرایند همگونی بین دو همخوان همجوار در مشخصه محل تولید لبی به صورت خطی:

$$n \rightarrow m / -b$$

$$\left[ \begin{array}{l} + \text{ انسدادی} \\ + \text{ لبی} \\ + \text{ واک} \end{array} \right] / - \left[ \begin{array}{l} + \text{ لیبی} \\ + \text{ خیشومی} \end{array} \right] \rightarrow \left[ \begin{array}{l} + \text{ تیغه ای} \\ + \text{ خیشومی} \end{array} \right]$$

به صورت غیر خطی



قاعده غیر خطی فوق نشان می‌دهد که مشخصه محل تولید همخوان لبی به همخوان خیشومی گسترده می‌شود و همزمان با آن مشخصه محل تولید هدف قطع می‌گردد. خط نقطه چین گسترش مشخصه را نشان می‌دهد. از بررسی قسمت الف می‌توان چنین نتیجه گرفت که سه مشخصه لبی، تیغه‌ای و بدنه‌ای «طبقه طبیعی» را تشکیل می‌دهند که در همگونی محل تولید با خیشومی لثوی یکسان رفتار می‌کنند و وابسته‌های مشخصه دیگری به نام «مشخصه دهانی» است.

#### ۴-۱-۲- تبدیل [t]، [d] به [z]، [s]:

این همگونی در گویش لری بختیاری مسجسلیمان در خوشه‌های همخوانی  $st-$ ،  $zd-$  در واژه دیده می‌شود. در واقع همگونی تیغه‌ای انسدادی t و d با همخوان‌های سایشی s و z است. داده‌های زیر در این گویش نمایانگر این فرایند است:

بختیاری	واج نویسی فارسی معیار	
dozzi	dozdi	دزدی
dozzaki	dozdaki	دزدکی
nazzik	nazdik	نزدیک
dasse	daste	دسته
tâvessun	tâbestân	تابستان

#### جدول ۳- همگونی تیغه‌ای انسدادی t و d با همخوان‌های سایشی s و z

این همگونی بین دو همخوان مجاور و به صورت کامل (تشدید) صورت گرفته و پیشرو است. قاعده خطی آن عبارتست از:

$$t \rightarrow s / s \_$$

[+پیوسته]      [+پیوسته]      [-پیوسته]

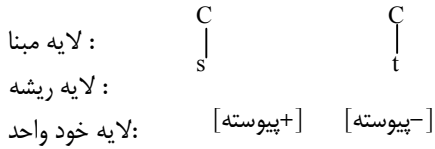
$$d \rightarrow z / z \_$$

[+پیوسته]      [+پیوسته]      [-پیوسته]

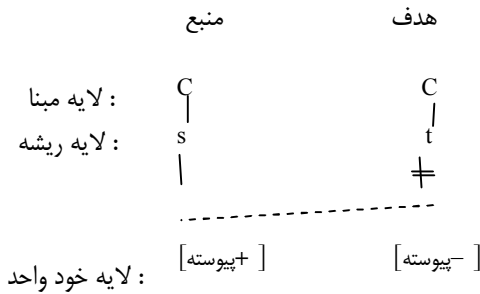
در این همگونی مشخصه [پیوسته] به تنهایی یک خود واحد است و می‌تواند در لایه‌ای مستقل قرار گیرد. این مشخصه مستقل از مشخصه‌های محل تولید و یا واک عمل می‌کند. هیچ گاه دو مشخصه نحوه تولید در یک فرایند به طور همزمان و با هم به کار نمی‌روند از این رو فاقد گره میانی در نظام سلسله مراتبی مشخصه‌ها است. فرایند همگونی که در آن یک مشخصه مربوط به نحوه تولید وجود دارد، همیشه به همگونی کامل منجر می‌شود. بنابر این همگونی فوق از نوع همگونی کامل یا نوعی تشدید است، زیرا گره ریشه از یک عنصر واجی به عنصر واجی دیگر گسترده شده است. بنابر این قاعده غیرخطی آن به قرار زیر است:



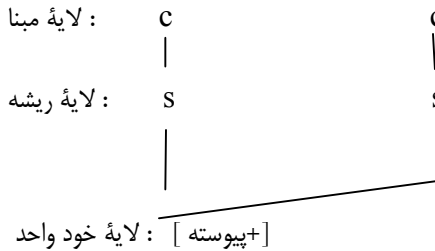
الف - بازنمایی زیر ساختی : daste → [dasse]



ب - گسترش مشخصه [+پیوسته] منبع به هدف و هم زمان با آن قطع مشخصه [-پیوسته] هدف:



پ- بازنمایی روساختی:



بنابراین در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان ملاحظه می‌شود که مشخصه‌های نحوه تولید و گره ریشه [+پیوسته] می‌تواند به عنوان خود واحد عمل کند و از یک عنصر واجی مانند [S] به عنصر واجی دیگر مانند [d] گسترش یابد و همگونی کامل یا نوعی تشدید به وجود آورد.

## ۴ - ۲ - حذف

وقتی یکی از عناصر واجی مانند واکه یا همخوان از زنجیره گفتار کم می‌شود فرایند حذف صورت می‌گیرد. معمولاً پایان هجا یا پایان واژه بیشتر جایگاه حذف است. برکوئست<sup>۱</sup> (۲۰۰۱: ۱۶۹) می‌نویسد حذف یکی از فرایندهایی است که ساختار هجا را تغییر می‌دهد تا الگوی هجایی یا واژگانی قابل قبولی را در واج آرایشی آن زبان به دست دهد. کار<sup>۲</sup> (۱۹۹۳: ۴۹) حذف را فرایندی می‌داند که در آن یک واحد واجی تلفظ نمی‌شود.

## ۴ - ۲ - ۱- حذف [t]، [d] از خوشه‌های st و zd

بختیاری	واج نویسی فارسی معیار	
doz	dozd	دزد
moz	mozd	مزد
čan	čand	چند
râs	râst	راست
das	dast	دست
mâs	mâst	ماست

## جدول ۴- حذف [t]، [d] از خوشه‌های st و zd

همخوان‌های تیغه‌ای [d] و [t] در پایان واژه در خوشه دو همخوانی، عضو دوم خوشه حذف می‌شود. قاعده این فرایند به صورت زیر است:

$$c \rightarrow \emptyset / \_ c \#$$

[+ تیغه‌ای]

[\_ پیوسته]

[\_ خیشومی]

این فرایند در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان همانند زبان فارسی معیار گفتاری یا محاوره‌ای در توالی st و zd در انتهای واژه دیده می‌شود مانند واژه‌های /dast/، /râst/، /dozd/ که به ترتیب [das]، [râs] و [doz] تلفظ می‌شود. به علاوه، این فرایند در ترکیب‌هایی مانند ترکیب‌های زیر دیده می‌شود (کامبوزیا، ۱۳۸۸: ۴۴).

بختیاری	واج نویسی فارسی معیار	
dasband	dastband	دستبند
dasmâl	dastmâl	دستمال

<sup>۱</sup> - Burquest, D.A.

<sup>۲</sup> - Carr, P.

دسترسی	dastresi	dasresi
راستگو	râstgu	râsgu
دستگاه	dastjâh	dastjâh
دستمزد	dastmozd	das moz
دزدگیر	dozdjir	dozjir
دست پخت	dastpox	das pohd

**جدول ۵- حذف [t]، [d] از خوشه های st و zd در ترکیب‌های مرکب**

در گویش بختیاری همانند فارسی معیار هرگاه واژه‌هایی که به خوشه همخوانی st و zd ختم می‌شوند با واژه‌ای دیگر ترکیب شود که آن واژه با همخوان شروع شده باشد و توالی سه همخوانی در مرز واژه ایجاد کند، عضو دوم خوشه در ترکیب حذف می‌شود قاعده این فرایند بدین شکل است:

$$c \rightarrow \emptyset / \text{---} \quad c + cv$$

[+تیغه‌ای]	[+تیغه‌ای]
[-پیوسته]	[+پیوسته]
[-خیشومی]	

**۴-۲-۲- حذف همخوان واکدار پایانی**

در گویش بختیاری واژه‌هایی که به همخوان‌های گرفته واکدار ختم می‌شود و هسته هجا در آنها یکی از واکه‌های کشیده / i, u / باشد همخوان پایانی حذف می‌شود.

بختیاری	واج نویسی فارسی معیار	
čũ:	čũb	چوب
či:	čiz	چیز
duma:	dâmâd	داماد
du:	duG	دوغ

**جدول ۶- حذف همخوان واکدار پایانی**

داده‌های فوق نشان می‌دهد در گویش بختیاری واژه‌هایی که به همخوان‌های گرفته واکدار [b]، [z]، [d] و [G] ختم می‌شوند و واکه قبل از آنها واکه کشیده است، همخوان پایانی آنها حذف می‌شود. این نوع فرایند حذف در فارسی دیده نمی‌شود. قاعده زیر این فرایند را نشان می‌دهد:

$$\begin{aligned} \text{čũ:b} &\rightarrow \text{čũ:} \\ c &\rightarrow \emptyset / v \text{ ---} \# \end{aligned}$$

## ۵- نتیجه گیری

در این مقاله فرایندهای همگونی همخوان و حذف در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان بررسی و با فارسی معیار مقایسه شد. بررسی برخی از فرایندها در این گویش بیانگر این نکته است که فرایند همگونی فعال تر از فرایند حذف است. فرایندهای بررسی شده در این پژوهش به منظور دستیابی به ساخت واژگانی قابل قبول و ساده در واج آرایی این گویش به روش واج‌شناسی خطی و غیرخطی صورت گرفته است. از جمله آنها می‌توان به ساده‌سازی خوشه‌های دو همخوانی از طریق همگونی و حذف همخوان‌ها برای آسانی در تلفظ اشاره کرد. نتایج فرعی زیر نیز قابل طرح است:

- گویش بختیاری ۲۳ همخوان و ۶ واکه اصلی دارد. همخوان‌های کامی /c/ و /l/ فارسی در این گویش نیز به صورت کامی در مواردی بسته به بافت آن که پسین باشد به صورت نرمکامی /k/ و /g/ تولید می‌شوند. واکه‌های مرکب این گویش نیز شامل /ey/، /ay/، /ây/، /oy/، /ow/، /aw/ و /uy/ است. واکه مرکب /aw/ مختص گویش لری بختیاری مسجدسلیمان است، که در فارسی معیار وجود ندارد.

- در این گویش فرایند همگونی همانند بسیاری از گویش‌های ایرانی فعال است. از جمله آنها می‌توان به همگونی همخوان-همخوان، همخوان-واکه و واکه-همخوان اشاره کرد.

- در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان همخوان تیغه‌ای [n] قبل از همخوان لبی [b] به [m] تبدیل می‌شود که در واقع همگونی ناقص و پسرو است که بین دو همخوان مجاور صورت می‌گیرد که به روش خطی و غیرخطی بازنمایی می‌شوند.

- همگونی /n/ با همخوان‌های «لبی»، «تیغه‌ای» و «بدنه‌ای» در مشخصه محل تولید در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان نیز اتفاقی نیست، بلکه این سه مشخصه در نظام سلسله مراتبی مشخصه‌ها تحت تسلط سازه‌ای گره «دهانی» قرار دارند.

- در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان همگونی همخوان تیغه‌ای انسدادی t و d با همخوان‌های سایشی S و Z در خوشه‌های همخوانی -st و -zd در یک کلمه دیده می‌شود که بیانگر همگونی کامل (تشدید) و پیشرو بین دو همخوان مجاور است. قاعده این همگونی به صورت خطی و غیرخطی بازنمایی می‌شود. البته بازنمایی و ساخت سلسله مراتبی آن به روش غیرخطی بهتر نمایان می‌شود.

- در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان تیغه‌ای /d/ و /t/ در توالی /st/ و /zd/ در پایان واژه در خوشه دو همخوانی و در صورت ترکیب با واژه‌های دیگر که توالی سه همخوان در مرز واژه ایجاد کند، عضو دوم خوشه در ترکیب حذف می‌شود.

- در گویش لری بختیاری مسجدسلیمان، واژه‌هایی که به همخوان‌های گرفته واکدار ختم می‌شوند و هسته هجا در آنها یکی از واکه‌های کشیده /u, i, â/ باشد، همخوان پایانی حذف می‌شود.

- به طور کلی سنجش داده‌های گویش لری بختیاری مسجدسلیمان، استخراج مشخصه‌های تمایز دهنده و قواعد و فرایندهای واجی حاکم بر آنها و نیز بازنمایی‌های واجی و آوایی نشان می‌دهد که دو فرایند واجی-همخوانی همگونی (کامل و ناقص) و حذف در این زمینه فعال است و فرایند همگونی پربسامدتر از فرایند حذف است. این فرایند و قواعد واجی خطی و غیرخطی مؤید یافته‌های واج‌شناسی زایشی در این

رابطه است. توجیه و توصیف برخی فرایندهای واجی به روش خطی ابهام دارد لذا روش غیرخطی در این زمینه کارآمدتر محسوب می‌شود.

## منابع

آرلاتو، آنتونی (۱۳۸۴). *در آمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

حق شناس، علی محمد (۱۳۹۰). *آواشناسی (فوتتیک)*، چ ۱۳، تهران: آگه.

زردشتی، فروزنده (۱۳۹۳). *بررسی مقابله‌ای گویش لری بختیاری مسجدسلیمان و گویش بختیاری در استان خوزستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

صادقی، وحید (۱۳۷۹). *تجزیه و تحلیل فرایندهای واجی در گویش فارسی تهرانی بر اساس واج‌شناسی خود واحد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران،

عباسی شهنی، دانش (۱۳۸۳). *تاریخ مسجدسلیمان*، تهران: هیرمند.

کاظمی، فروغ و فروزنده زردشتی (۱۳۹۶). «فرایندهای همگونی و حذف در گویش شوشتری در چارچوب واج‌شناسی زایشی» فصلنامه زبان‌شناس، ش ۲۱، صص ۲۳۶-۲۱۹.

کامبوزیا، عالییه (۱۳۸۸). *واج‌شناسی رویکرد قاعده بنیاد*، تهران، سمت.

کامبوزیا، عالییه و همکاران (۱۳۹۲). «مقایسه فرایندهای واجی همخوان‌های گویش لری بالاگریوه با فارسی معیار» فصلنامه جستارهای زبانی، ش ۱. پیاپی ۱۳، صص ۱۷۹-۱۵۱.

کامبوزیا، عالییه؛ ثباتی، الهام و فردوس آقاگلزاده (۱۳۹۴). «فرایندهای واجی تضعیف در گونه‌های کردی ایلامی» نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال پنجم، شماره ۹- بهار و تابستان.

کلباسی، ایران (۱۳۷۶). *گویش کلاردشت (رودبارک)*، چ ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کلباسی، ایران (۱۳۸۹). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایرانی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نقشبندی، شهرام (۱۳۷۵). *نظام آوایی گویش هورامی (گونه شهر پاوه) از دیدگاه واج‌شناسی زایشی و واج‌شناسی جزء مستقل*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

Akmajian, A.; Demers, R.A.; Farmer, A.k. and R.M.Harnish (2001). *Linguistics: An Introduction to Language and Communication*, Massachusetts Institute of Technology, printed and bonded in the United States of America.

Burquest, D. A. (2001). *Phonological Analysis (A functional approach)*. USA: SIL. International.

Carr, P. (1993). *Phonology*. New York: McMillan Press.

- Goldsmith, J.A. and B. Laks (2008). "Generative phonology: Its Origins, Its Principles, and Its Successors." Chicago: University of Chicago.
- Jensen, J.T. (2004). *Principle of Generative Phonology: an Introduction*, USA: John Benjamins Publishing Company Amsterdam/ Philadelphia. PA 19118-0519. USA.
- Kenstowicz, M. (1994). *Phonology in Generative Grammar*, Oxford: Blackwell.
- Lade Foged, P. (2006). *A Course In Phonetics*, printed in the United States of America, Thomson Higher Education, 25 Thomson Place Boston, USA.
- McCarthy, J. (1982). *Nonlinear Phonology: An Overview*, University of Texas at Austin and University of Massachusetts, Amherst. Department Faculty Publication Series Paper.
- Schane, S.A. (1973). *Generative Phonology*, Printed in New Jersey: Prentice-Hall INC.

سید اسد

---